

## بررسی تلفیق و تیسیر در اجتهاد<sup>۱</sup>

محمد عادل ضیائی<sup>۲</sup>

ناصر مریوانی<sup>۳</sup>

عبدالوهاب سلیمی پور<sup>۴</sup>

### چکیده

در یک تعریف، تلفیق آمیخته‌ای از آرای مجتهدان است که مطابق نظر هیچ کدام از آنان نباشد. این کار، چه بسا به هدف تسهیل در انجام تکالیف دینی انجام می‌گیرد و از این حیث؛ «تیسیر» به عنوان یک مبنا در شریعت اسلامی و تحت قواعدی چون «رفع حرج» و «قاعده یُسْر» اشتراکاتی دارد. اما از طرف دیگر ممکن است تلفیق به هدف رفع تکلیف انجام شده یا به این امر منجر شود. برخی از فقیهان و اصولیان معتقدند که تلفیق فتوی در حالت ضرورت، به سبب گشایش و رفع حرجی که برای مکلف دارد جایز است. برخی دیگر دایره استفاده از تلفیق را وسیع‌تر دانسته و استفاده از آن را به هنگام حاجت - و نه ضرورت - هم جایز دانسته‌اند. مستند این حکم هم تیسیر و رفع مشقتی است که در مورد مکلف وجود دارد. به نظر می‌رسد تلفیق و تیسیر رابطه عموم و خصوص من وجه دارند زیرا هر تلفیقی لزوماً تیسیر نیست و هر تیسیری لزوماً تلفیق نیست، گرچه در مقام عمل و به ویژه در فتاوی معاصر اکثر تلفیق‌ها متضمن تیسیر است.

**کلید واژه‌ها:** تلفیق، تیسیر، فتوی، عُسر و حرج، مشقت

۱- تاریخ دریافت: ۲۱ مهر ۱۳۹۹، تاریخ پذیرش: ۱۲ فروردین ۱۴۰۰.

۱- دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،

۳- دانشجوی مقطع دکتری رشته فقه شافعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

[ziaey@ut.ac.ir](mailto:ziaey@ut.ac.ir)

[Nasermarivani@yahoo.com](mailto:Nasermarivani@yahoo.com)

[salimibochir@gmail.com](mailto:salimibochir@gmail.com)

## ۱- مقدمه

پس از شکل‌گیری مذاهب اسلامی و طرح این مسأله که آیا التزام به مذهب فقهی معین ضرورت دارد یا خیر؟ به مرور بحث تلفیق بین آرای مجتهدان نیز مطرح گردید. با وجود تعاریف مختلفی که از تلفیق شده است شاید بتوان در یک جمع‌بندی از این تعاریف گفت که «تلفیق انجام یک فعل به شیوه‌ای است که مطابق نظر هیچ مجتهدی نباشد بدان گونه که فرد در یک قضیه بین دو یا بیش از دو قول به نحوی ترکیب کند که حقیقتی از آن به وجود آید که هیچ مجتهدی به آن معتقد نباشد». این تلفیق ممکن است به هدف تیسیر و آسان‌گیری در انجام تکالیف صورت گیرد. اما مشاهده می‌شود شخص مکلف در چنین حالتی با وجود آنکه ممکن است مجتهد نباشد (مقلد باشد) در عمل و در عالم واقع از هیچ مجتهدی پیروی نمی‌کند، اما از سوی دیگر نصوص فراوانی در قرآن کریم و سنت نبوی وجود دارد که بر رفع حرج از بندگان در انجام تکالیف دینی دلالت داشته و دین اسلام را دین یُسْر و آسان‌گیری معرفی نموده و توصیه به تیسیر و مراعات حال مکلفان می‌نماید. نوشته حاضر در صدد است با مقایسه مفهوم «تلفیق» و «تیسیر» و مستندات هر یک به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مراجعه به منابع معتبر مذاهب اسلامی مبحث را مورد واکاوی قرار داده و رابطه «تلفیق» و «تیسیر» و نقاط افتراق و اشتراک آنان را جهت دستیابی به رای صحیح بیان نماید.

## ۲- مفهوم تلفیق

«تَلْفِیق» مصدر باب تفعیل است از ماده «لَفَقَ» که به معنی همراهی، چسبیدن، و حول چیزی جمع شدن است. (ابن فارس، ۱۳۹۲ق، ۲۵۷/۵)

وقتی گفته می‌شود «التَّلْفِیقُ فی الثَّیَابِ» یعنی چسباندن و دوختن دو طرف لباس یا پارچه به طوری که یکنواخت شده باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۴۰۵۶/۵؛ زبیدی، ۱۳۸۵ق، ۳۶۰/۲۶)

مفهوم فقهی تلفیق به معنی لغوی آن (اتصال و چسباندن) نزدیک بوده و مستخرج از آن است. با وجود تعاریف متعددی که از تلفیق شده است اما تقریباً می‌توان آنها را در دو دسته زیر، بیان کرد:

۱- تقلید مرکب از دو مذهب یا بیشتر در یک عبادت یا یک معامله. (عتیبی، بی‌تا، ۱۰). میمان (میمان،

۱۴۳۳ق، ۵) و عبدالله سعیدی (سعیدی، بی‌تا، ۱۲) نیز مشابه این تعریف را ابراز داشته‌اند.

۲- انجام یک فعل به شیوه‌ای که مطابق نظر هیچ مجتهدی نباشد بدان گونه که، در یک قضیه بین دو یا بیش از دو قول به نحوی ترکیب کند که حقیقتی از آن به وجود آید که هیچ مجتهدی به آن معتقد نباشد. (آلبانی، ۱۴۱۸ق، ۱۸۳/۲)، مجمع فقه اسلامی (منظمة الموتر الاسلامی، ۶۴۰/۸)، حلوانی (حلوانی، ۱۴۲۶ق، ۱۳۳) و هنیه (هنیه، ۱۴۱۲ق، ۵۲) نیز تعاریفی نزدیک به این تعریف ارائه کرده‌اند.

با ملاحظه تعاریف موجود و ارزیابی آنها می توان گفت که «تلفیق آن است که شخص از میان آرای مجتهدان و یا مذاهب فقهی درباره یک مسأله به رأیی قایل شود و یا به گونه‌ای عمل کند که مطابق نظر هیچ کدام از مجتهدان یا مذاهب، صحیح نباشد.»

### ۳- تلفیق فتوی

نصوصی که در قرآن و سنت وجود دارند و منبعی برای استدلال و اخذ احکام شرعی هستند به دو بخش قطعی الدلاله و ظنی الدلاله تقسیم می‌شوند. علما در تفسیر و تأویل نصوص ظنی الدلاله برداشت‌های متفاوت دارند، همین مسأله منجر به اختلاف در فتوی می‌گردد.

زمانی که صحابه در مناطق و شهرهای مختلف پراکنده شدند، اتفاقات و حوادث گوناگونی پیش آمد و مسائل جدیدتری برای شان مطرح گردید و نیازمند این بود که صحابه در این موارد نظر شرعی را برای مردم تبیین نمایند و چون برای جواب مسائل متعدد هر کدام فهم و برداشت متفاوتی از نصوص شرعی داشتند، آرا و فتاوی شرعی مختلف و گوناگونی از طرف آن‌ها صادر شد و نسل‌های بعد نیز در نگرش به مسائل و موضوعات جدیدی که پیش می‌آمد دچار همین اختلاف آرا و فتوی شدند؛ بعدها مجتهدان و ائمه‌ی مذاهب نیز همین تنوع و تفاوت را در فتوی داشتند. سپس تقلید از ائمه‌ی مذاهب گسترش زیادی پیدا کرد و به مرحله‌ای رسید که برای شخص جایز نبود که وقتی از مذهبی تقلید می‌کند از آن خارج گردد، ولی همین مسأله باعث ایجاد عُسر و حرج برای پیروان مذاهب می‌گشت؛ لذا عده‌ای از علما به فکر تلفیق در فتوی برای رهایی مسلمانان از عُسر و حرج در پیروی از مذاهب خاصی گردیدند. (عززی، سعد، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۱-۲۷۰)

پس بطور کلی می‌توان گفت «تلفیق فتوی» یعنی اینکه در مسائل مستحدثه و جدید از بین اقوال فقهای اسلامی به آسان‌ترین فتوی دست پیدا کرد یا از جمع بین دو یا چند اجتهاد برای حل مسائل شرعی به راه حل مناسبی رسید. یا از میان اجتهادات و فتاوی فقها در مسائل مختلف شرعی، نوازل و مستحدثات به یک حکم واحد رسید، و یا بتوان در تقلید از مذاهب، چنان تلفیق نمود که مقلد بتواند از میان اقوال مجتهدین بگونه‌ای عمل نماید که بر اساس قول امامی باشد، یا در تشریح و قانون‌گذاری حاکم اسلامی بتواند تلفیقی انجام دهد که از میان اقوال مختلف فقهای مذاهب اسلامی، آنچه را که آسان‌تر، واقعی‌تر، عادلانه‌تر و بر اساس مصالح امت اسلامی و جامعه و مقاصد شریعت است برگزیند و آن را به صورت قانون یا ضابطه‌ای در آورد تا برای مردم به آسانی قابلیت اجرا و عمل داشته باشد و در نهایت بوسیله‌ی تلفیق فتوی، عُسر و حرجی که در مسائل مختلف اجتهادی و ظنی وجود دارد به آسانی و گشایش رسید و مکلفان با آرامش و عدم دغدغه و سرگردانی عبادات خود را انجام دهند.

## ۴- تیسیر

یکی از مفاهیم مرتبط با تلفیق، اصطلاح تیسیر می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۴-۱- تعریف تیسیر

تعریف تیسیر، ابتدا در لغت و سپس در اصطلاح، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱-۱- تیسیر در لغت

تیسیر مصدر باب تفعیل از ریشه «یَسَّرَ» است که به معنی آسان گرفتن و تسهیل می‌باشد. وقتی گفته می‌شود آن امر مُیسَّر شد یعنی آن کار آسان شد. «یُسِّر» به معنای نرمی و مطیع بودن است و «تیسیر» به معنای آماده کردن و آسان نمودن است و حروف «یاء، سین، راء» بر انفتاح و باز شدن چیزی دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۱۹/۶؛ ابن منظور، ۲۹۵/۵؛ زبیدی، ۴۵۸/۱۴).

«یُسِّر» ضد سختی است، ضمن اینکه آسان‌گیری می‌تواند هم در خیر و هم در شرّ اتفاق بیفتد، که در معنای اول خداوند می‌فرماید: «فَسَيُسِّرُهُ لِيُسِّرِي» [لیل: ۹] و در معنای دوم می‌فرماید: «فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرِي» [لیل: ۱۱] و در حدیث هم وارد شده است که «إِنَّ الدِّينَ يُسِّرُ» (بخاری، ۱۳۳۰ق، ص ۳۱، حدیث ۳۹) یعنی دین بر آسانی بنا شده است.

#### ۴-۱-۲- تیسیر در اصطلاح

زمخشری (۵۳۸-۴۶۷ق) در تعریف «وُسْع» گفته: وسع چیزی است که در توان انسان می‌باشد و بر او سخت و طاقت فرسا نیست. چون خداوند انسان را به اندازه‌ی آنچه که در توان و تحمل‌اش است و برایش آسان می‌باشد، هر چند که کمتر از توان و تحمل‌نهایی‌اش است، مکلف می‌گرداند. لذا انسان توان این را دارد که در روز بیشتر از پنج وعده نماز بخواند و بیشتر از یک ماه روزه بگیرد و در سال بیشتر از یک بار حج کند ولی خداوند او را به کمتر از آن مکلف گردانیده است. (زمخشری، ۱۴۳۰ق، ۴۰۸/۱) شاطبی (۷۹۰-۷۲۰ق) نیز مفهوم «یُسِّر» را چنین بیان کرده است: عملی است که نفس را به سختی نمی‌اندازد و بر جسم هم سنگینی نمی‌کند. (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۱۲۲/۲)

«تیسیر» در اصطلاح به معنای تطبیق احکام شرعی به صورتی میانه است همان‌گونه که در کتاب خدا و سنت پیامبر [آمده، بدون هرگونه تندروی که منجر به حلال کردن حرامی و حرام کردن حلالی گردد]. صغیر، ۲۰۱۰م، ص ۷) پس می‌توان گفت که «تیسیر» در اصطلاح، در همان معنای لغوی استعمال شده است.

## ۵- پیشینه تحقیق

با وجود آنکه مفهوم تلفیق در همان قرون اولیه در میان فقها مورد بحث قرار گرفته اما اصطلاح تلفیق، از جمله اصطلاحات نسبتاً متأخر است که غالباً در میان فقهای اهل سنت به کار رفته است. به نظر می رسد اولین کسی که واژه تلفیق را در معنی اصطلاحی آن به کار برده قاضی ابوسعید هروی شافعی (متوفی ۴۸۵ق) است. (زرکشی، ۱۴۱۳، ۵۴۲/۴) پس از او دیگران در ضمن مباحث اجتهاد و تقلید به طور مختصر به بیان احکام تلفیق پرداختند. (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۱۴۸/۴؛ زرکشی، ۱۴۱۳، ۵۴۲/۴؛ ابن مکی، ۱۹۸۸م، ص ۱۷۵؛ دویش، ۱۴۳۴ق، ص ۱۱۵ الی ۱۷).

اولین تألیف مستقل در این زمینه کتابی است تحت عنوان «غایة التحقيق فی منع التلخیص فی التقلید» از ابراهیم بن حسین پیری زاده حنفی (متوفی ۱۰۹۹ق) (همان، ۱۴۳۴، ص ۱۷). به مرور پژوهش های مستقل دیگری در این زمینه انجام گرفت که مهم ترین آنها به قرار زیر است:

۱- کتاب «عمدة التحقيق فی التقلید و التلخیص» از محمد سعید البانی (متوفی ۱۳۵۱ق) که به نظر می رسد کامل ترین اثر در این باب باشد.

۲- رساله فی التلخیص، مرعی بن یوسف کرمی.

۳- خلاصة التحقيق فی بیان حکم التقلید و التلخیص، عبدالغنی نابلسی

۴- مقاله «التلخیص فی الفتوی» سعد عنزی - مجله الشریعة و الدراسات الاسلامیة جامعه الکویت ش/ ۳۸ سال ۱۴۲۰ق.

۵- مقاله «التلخیص بین المذاهب الفقهیة و علاقته بتیسیر الفتوی» از غازی بن مرشد بن خلف عتیبی. ملاحظه و بررسی کتب و مقالات فوق نشان می دهد که اولاً برخی از آنها فقط قسمتی از مباحث این پژوهش را مورد بررسی قرار داده اند. ثانیاً آنکه به نظر می رسد تاکنون به زبان فارسی هیچ مقاله ای پژوهشی و مستقل در باب ارتباط تلفیق فتوی با تیسیر به رشته تحریر در نیامده و به چاپ نرسیده است.

## ۶- اسلام، دین یُسْر

آنچه در کتاب و سنت از آیات قرآن و احادیث شریف آمده، بر این موضوع دلالت می کند که دین اسلام، دین آسان گیری و تسامح است و دین پیچیده گویی و سخت گیری نیست. خداوند متعال می فرماید:

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» [بقره: ۱۸۵]

«خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست.»

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ» [مائده: ۶]

«خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد.»

خداوند در ادامه بحث نکاح و محرمات می فرماید:

«يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» [نساء: ۲۸]

«خداوند می خواهد - با وضع احکام سهل و ساده - کار را بر شما آسان کند و انسان ضعیف آفریده

شده است - و در امر گرایش به زنان تاب مقاومت ندارد.»

خداوند در خلال احکام قصاص و عفو نیز می فرماید:

«ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» [بقره: ۱۷۸]

«این حکم، تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان.»

براساس آیات مذکور آسان گرفتن توسط خداوند، صرفاً به معافیت مسافر و مریض در روزه گرفتن محدود نمی شود، بلکه شامل تمام تکالیف شرعی می باشد؛ زیرا طبق قاعده فقهی؛ «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» (سبکی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۳۴) یعنی «اعتبار نصوص به عموم و دامنه‌ی الفاظ است نه اینکه فقط خاص سبب نزولش باشد». که امری مورد قبول همگان است سبب نزول آیات و سبب ورود احادیث نمی تواند مانع از تعمیم حکم برای مواردی شود که لفظ بر آنها دلالت داشته و عموم لفظ شامل آنها می شود. با این توضیح می توان گفت که خداوند قصد سخت گیری ندارد بلکه می خواهد تکالیف سنگین را از دوش بندگان خود بردارد. حکمت خداوند بر آن است که انجام تکالیف شرعی آسان و میسر باشد. روشن است که آسان گیری مورد نظر شریعت، به مثابه رفع حرج و سختی در ادای تکالیف شرعی است، نه نفی تکلیف شرعی؛ برای مثال، نماز یک تکلیف است که با قصر و جمع دو نماز، ادای آن را برای مسافران آسان کرده است. یا مثلاً کسی که مریض باشد می تواند نشسته نماز بخواند و یا اگر فرد، زمین گیر باشد می تواند به صورت اشاره کردن بخواند. یا بجای گرفتن وضو در شرایط خاص، به تیمم روی بیاورد. یا معافیت روزه حتی برای انسان سالم در ایام مسافرت و برای مریض مقیم و غیرمسافر و یا خوردن گوشت مردار در وضعیتی که فرد در حال مرگ است و مثال های فراوان از رخصت های شرعی دیگر است که ادای تکلیف را برای آدمی آسان می کند.

در این راستا قرآن کریم می فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» [حج: ۷۸] یعنی «خداوند

در دین برای شما سختی و مشقت قرار نداده است.» بلکه با رخصت در عبادات بر شما خیلی گشایش و آسانی قرار داده، کفارات را مشروع کرده، باب توبه را برای گناهکاران باز کرده، حتی به گونه ای که یک مؤمن به چیزی از گناه مبتلا و دچار نمی شود مگر اینکه خداوند برای او راه گریزی و چاره ای قرار داده است. لذا کسانی که به دنبال سختی و مشقت هستند، باید کنار بروند و کوتاه بیایند. همان طور که پیامبر اسلام [راجع به طولانی شدن اقامه ی نماز در مسجد فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ رَضِيَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الْيُسَيْرَ وَكَرِهَ لَهَا

الْعَسِيرَ-قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (متقی الیهندی، ۱۴۰۹ق، ۳/۳۳) یعنی «خداوند برای این امت آسانی و گشایش را پسندیده و از سختی و مشقت برای این امت ناراحت می‌شود. پیامبر سه بار این را تکرار فرمودند.» از شعبی نیز روایت شده که پیامبر [فرموده: «هر زمان که دو امر بر تو مشتبه و نامعلوم شد هر کدام که آسان‌تر است همان به حق نزدیک است.» (بغوی، ۱۴۰۳ق، ۱۴/۳۹۱)

ابن جریر روایت کرده که به یکی از فقیهان هفت گانه مدینه (قاسم بن محمد بن ابی‌بکر) گفته‌اند: ما در زمستان در رمضان مسافرت می‌کنیم و اگر در آن روز روزه بگیریم خیلی آسان‌تر خواهد بود که در تابستان آن را قضا کنیم. در جواب گفته‌اند: خداوند می‌فرماید: «خداوند برای شما آسانی و گشایش می‌خواهد.» [بقره: ۱۸۵] پس هر آنچه را که بر تو آسان بود همان را انجام بده. لذا شایسته است که آسانی را برگزینید و هر آنچه را که به آسانی بینجامد همان به دین خداوند نزدیک‌تر است و همان نزد خداوند محبوب‌تر است. همچنین حضرت عایشا می‌فرماید: «مَا خَيْرَ رَسُولُ اللَّهِ [بَيْنَ أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا أَيْسَرُ مِنَ الْآخَرِ إِلَّا اخْتَارَ أَيْسَرَهُمَا مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ...» یعنی: «پیغمبر [هیچ‌گاه در بین دو امر مخیر نشد که یکی را انتخاب کند، مگر آنکه حتماً آن یکی را که سهل و ساده‌تر بود انتخاب می‌کرد، مگر در صورت گناه بودن آن، اما اگر آن کار گناه می‌بود ایشان دورترین مردم از آن کار بودند.» (عبدالباقی، ۱۳۹۱ش، ۳/۱۵۳، حدیث ۱۵۰۲)

به نظر می‌رسد سخت‌گیری بر امتی که مورد رحمت خداوند است، اصالت شرعی ندارد؛ چرا که خداوند برای آن‌ها تخفیف و آسانی می‌خواهد همانگونه که خداوند می‌فرماید: «خداوند می‌خواهد بر شما آسان بگیرد چون انسان ضعیف و ناتوان خلق شده است.» [نسا: ۲۸] با فضل و رحمت خود پیامبرش را با دین حنیف و آسان فرستاد. دینی که در سختی‌ها و مشکلات، استحقاق تخفیف و آسانی را در تمام تکالیف شرعی دارد.

یکی از دلایل محدودیت توانایی بشر، الغای پرسشگری در مسائلی است که شرع در آن‌ها سکوت کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِن تُبَدَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» [مائده: ۱۰۱] یعنی «ای مومنین از چیزهایی سوال نکنید که اگر جواب آن برای شما مشخص شود در سختی و ناراحتی می‌افتید.» معنای این آیه همان‌طور که زمخشری گفته آن است که از پیامبران زیاد سوال نکنید و برای او مسأله درست نکنید به گونه‌ای که از تکالیف سخت سوال کنید و اگر برای شما فتوی داده شود و به آن مکلف شوید شما را ناراحت می‌کند و بر شما مشقت و سخت خواهد شد و از سوال کردن پشیمان می‌شوید.

ابن جریر از ابوهریره روایت کرده است که پیامبر [فرموده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمُ الْحَجُّ، فَحُجُّوا، فَقَالَ رَجُلٌ: أَفَى كُلِّ عَامٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، وَ لَوْ

قلت: نَعَمْ لَوْجِبَتْ، وَ لَمَّا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةَ سُؤَالِهِمْ، وَ اخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ» (ابن الاثیر، ۱۳۹۲ ق، ۳/۳) یعنی «ای مردم حج را بر شما فرض شده است پس حج را بجای آورید. در این میان مردی گفت: یا رسول الله! آیا در هر سال حج انجام دهیم؟ پیامبر [جواب نداد. مرد سوالش را سه مرتبه تکرار کرد سپس پیامبر] فرمودند: هر آنچه را که من از آن برای شما سکوت کردم و بیان نکردم شما هم سکوت کنید. اگر در جواب می‌گفتم بله، واجب می‌شد، و اگر هم واجب می‌شد توانایی آن را نداشتید. (در روایت دیگری آمده که اگر واجب می‌شد و سپس آن را ترک می‌کردید گمراه می‌شدید) همانا کسانی قبل از شما بودند که با سؤال‌ها و اختلاف‌هایی که با پیامبران‌شان داشتند، هلاک شدند، هر وقت به شما چیزی امر کردم آن را در حد توانایی خود انجام دهید و هر زمانی شما را از چیزی نهی کردم آن را رها کنید.»

این مطالب، فرازی از برهان‌های نقلی در باب ضرورت و فضیلت آسان‌گیری در شریعت اسلام است و شکی نیست که این آسان‌گرفتن، شامل همه‌ی مردم، چه قوی و چه ضعیف، می‌گردد. (البانی، ص ۶۳-۵۹)

## ۷- تیسیر از منظر علمای اسلام

علما در عمل به احکام و اقوال ساده‌تر دارای سه رأی هستند:

۱- دیدگاه اول: عمل به حکم ساده‌تر به طور مطلق جایز است. این نظر بعضی از حنفیه و بعضی از مالکیه است و نیز به بعضی از شافعیه نسبت داده می‌شود. و همچنین دیدگاه بعضی از فقهای امامیه می‌باشد. در کتاب «التحریر» و شرح آن آمده است: «از جواز عدم سخت‌گیری بر مقلد استنباط می‌شود که فرد، اجازه دارد از رخصت مذاهب استفاده کند، یعنی می‌تواند از دیگر مذاهب در یک مسأله، از حکم ساده‌تر به نسبت مذهب خود پیروی نماید و هیچ مانع شرعی در این زمینه نیست؛ زیرا انسان می‌تواند راهی ساده‌تر را که امکان دسترسی به آن را دارد، بپیماید. (امیرپاشاه، ۱۴۱۷ ق، ۲۵۴/۴) و در حاشیه‌ی دسوقی بر «الشرح الکبیر» به نقل از بعضی از علمای مالکیه نیز چنین آمده است که رأی صحیح جواز عمل به حکم ساده‌تر است و این نوعی وسعت دیدگاه است. (دسوقی، بی‌تا، ۲/۱) و بعضی از شافعیه نیز چنین رأیی را از بعضی از علمای‌شان نقل کرده‌اند. (عطار، ۲۰۱۱ م، ۴۴۱/۲؛ زرکشی، ۱۴۱۳ ق، ۳۲۵/۶؛ علیش، بی‌تا، ۷۸/۱)

صاحبان این قول برای دیدگاه‌شان چنین دلیل می‌آورند: قطعاً شارع کسی را ملزم ننموده تا از یک فرد یا مذهب معین پیروی کند و تنها چیزی که واجب است آن است که خداوند سبحان و پیامبرش آن را واجب کرده باشند، وقتی در این موضوع، منعی برای عمل به حکم ساده‌تر نیست، پس چه مانعی دارد که فرد طبق ساده‌ترین قول عمل کند؟ همچنین برای درستی دیدگاه خود چنین دلیل



می‌آورند که عمل بر طبق حکم ساده‌تر نوعی وسعت دیدگاه و سهل‌گیری شریعت است و آسانی یکی از نشانه‌های شریعت است و عمل بر طبق احکام آسان مطابقت با قواعد و اصول شریعت است. (دسوقی، بی تا ۲۰/۱؛ امیرپاشاه، ۱۴۱۷ق، ۲۵۴/۴؛ سهالوی‌الکنوی، ۱۴۲۳ق، ۴۰۶/۲؛ زحیلی، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴-۲۵) گروهی از فقهای امامیه نیز می‌گویند که قاعده نفی عُسر و حرج سبب می‌شود که مکلفان از برخی تکلیفات و مشقات احکام رهایی یابند و عقل نیز به صورت مستقل آنها را درک کرده و به آن حکم می‌کند و این قاعده تخصیص بردار نیست. (فاضل لنگرانی، بی تا، ص ۲۳)

**۲- دیدگاه دوم:** عده‌ای نیز عمل به حکم ساده‌تر را به طور مطلق ممنوع می‌دانند. این رأی بسیاری از حنابله است. آنان رفتن به دنبال رخصت‌ها را حرام دانسته و مرتکب چنین کاری را فاسق می‌دانند. بعضی دو روایت را از امام احمد در مورد فاسق دانستن چنین کسانی روایت کرده‌اند و بعضی قول به فاسق دانستن را مربوط به حالتی می‌دانند که فرد برای این کارش تأویلی شرعی نداشته باشد یا این که مقلد باشد. (ابن نجار، بی تا ۵۷۷/۴؛ ابن قیم، ۱۴۲۳ق، ۲۱۱/۴؛ مرداوی، بی تا، ۱۹۶/۱۱؛ ابوزید، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۵) همچنین بسیاری از مالکیه قایل به این دیدگاه بوده و حتی بعضی از آنان معتقد به انعقاد اجماع در این زمینه هستند. (ابن عبدالبر، بی تا، ۹۱/۲؛ علیش، بی تا، ۷۷/۱) شاطبی در این زمینه بسیار سخت‌گیری کرده و به بیان بسیاری از مفاسدی که نتیجه‌ی پیروی از رخصت‌ها در میان مذاهب مختلف است، پرداخته است. (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۱۴۷/۴) بسیاری از شافعیه نیز چنین باوری دارند و گفته‌اند که این دیدگاه، صحیح‌ترین دیدگاه است.

در کتاب «جمع‌الجوامع» چنین آمده است: «قول اصح آن است که پیروی از رخصت‌ها ممنوع است...». (محلّی، بی تا، ۴۰۰/۲؛ عطار، ۲۰۱۱م، ۴۴۱/۲) امام نووی به تصریح رأی به عدم جواز پیروی از رخصت‌ها را داده است، هر چند که معتقد به پایبندی به یک مذهب خاص نیست. (نووی، الفتاوی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۸؛ نووی، روضة الطالبین، بی تا، ۱۱۷/۱۱؛ نووی، المجموع، بی تا، ۹۶/۱) زرکشی نیز از بعضی از شافعیه نقل کرده که هرکس به طور عمدی از رخصت‌ها پیروی کند فاسق می‌گردد. (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۵/۶) همچنین برخی از فقیهان امامیه مانند حرّ عاملی و مقدس اردبیلی «قاعده لاجرح» را انکار کرده و می‌گویند در کلمه «حرج» اجمال وجود دارد و قابلیت استدلال ندارد. (اردبیلی، بی تا ص ۵۹۰) و همچنین بعضی دیگر از فقهای امامیه بر این نظر هستند که «قاعده لاجرح» در حدّ یکی از اصول عملیه است و کاشف از واقع نیست و دلیلی برای فقیه محسوب نمی‌شود که در تمام موارد عسر و حرج به آن استدلال نماید. قابل به ذکر است که اکثریت فقهای امامیه این دیدگاه را قبول ندارند. (فاضل لنگرانی، بی تا، ص ۲۳)

**۳- دیدگاه سوّم:** مطابق این دیدگاه، به شرط اینکه عمل بر اساس حکم ساده‌تر، منجر به عملی که اجماع بر بطلان آن شکل گرفته است نگردد، جایز است. از جمله کسانی که به این شرط تصریح کرده قرافی است که از یحیی زناتی آن را نقل کرده است. (قرافی، ۱۳۹۳ق، ص ۴۳۲) عطار در حاشیه‌ی جمع‌الجوامع می‌گوید: «از مجموع آن چه ذکر کردیم استنباط می‌شود که تقلید جایز است و پیروی از رخصت‌ها نیز جایز و درست است، اما نه به صورت مطلق، بلکه مجتهد باید در مسأله‌ای که تقلید در آن رخ داده و صحت عمل بر آن متوقف است، مراعات کند تا فرد در حکمی ترکیبی از دو اجتهاد نیفتد. (عطار، ۲۰۱۱م، ۴۴۲/۲) شوکانی از عزّین عبدالسلام چنین نقل می‌کند: باید در کاری که مقلد انجام می‌دهد دقت نمود: اگر عملی که او انجام می‌دهد در شریعت مشهور باشد که حرام است، کارش گناه است و اگر چنین نباشد، گناهی مرتکب نشده است. (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۰۸)

#### ۸- مقایسه‌ی تلفیق فتوی با تیسیر

آنچه مسلم است آسان‌گیری از مقاصد و اهداف شریعت اسلام می‌باشد، و این مسأله در آیات و احادیث متعدّدی مورد اشاره قرار گرفته است. لذا هنگامی که مجتهدی بین صدور دو فتوای سخت و آسان مردّد باشد، بایستی به آسان‌ترین حکم فتوی دهد. خصوصاً هنگامی که برای مردم یک مشقّت و تنگی پیش می‌آید. پس وقتی از این زاویه به موضوع نگریسته شود تلفیق هم نوعی آسان‌گرفتن محسوب می‌شود؛ همان آسان‌گرفتنی که به وسیله آن نیاز و ضروریات مردم برآورده می‌شود. مسأله دیگری که باید در تلفیق مورد توجه قرار گیرد این است که امور با شروط و ضوابط خودش اجرا شود؛ یعنی درست است که نیاز به آسان‌گیری احساس می‌شود اما باید همراه ضوابط و شرایط باشد. به عبارتی اگر ضرورت‌ها و نیازها اقتضا نکنند نیازی به تیسیر در تلفیق فتوی نیست.

به نظر عده‌ای از اصولیان و فقیهان، تلفیق فتوی در مواقع ضروری به خاطر آسانی و گشایش بر مکلفان جایز است. (زرکشی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۳/۶؛ ابن عابدین، ۱۳۹۹ق، ۲۸۹/۱؛ علیش، بی‌تا، ۶۳/۱-۶۲) محمد سعید البانی هم با تأیید این رأی، آن را از شفشاوی نقل کرده است. (البانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۹-۱۲۴؛ عتیبی، بی‌تا ص ۳۸)

بعضی دیگر دایره را وسیع‌تر کرده‌اند و در مواقع نیاز و حاجت هم تلفیق فتوی را جایز دانسته‌اند. وهب‌الزحیلی هم این نظر را اختیار کرده است. (زحیلی، الرخص الشرعية، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵) به باور البانی برای فردی که در حالت ضعف دین و عقل و بدن باشد و یا قلب سرسخت و جهالت زیاد داشته باشد می‌توان از تلفیق برای آسان‌گرفتن و تشویق و جذب او استفاده کرد. البانی در این مورد گفته است: شایسته‌ترین افراد به سهولت و آسان‌گیری کسانی هستند که ضعف بدنی دارند، مانند کسانی که مریضی

دارند و یا کسانی که شغل و حرفه سخت و طاقت فرسا دارند و نیز سربازان و نگهبانان و کشاورزان، صحرا گردان، صنعت کاران، افرادی که از لحاظ کنترل و مدیریت برخورد ضعیف و ناتوان هستند و افراد سفیه، همچنین پلیس راه و کسانی که محافظ هستند و افراد این چنینی. بدین جهت مفتی باید جنبه‌ی سهولت و حکمت تشریح را برای آن‌ها در نظر بگیرد و به آسان‌ترین حکم، فتوی دهد هرچند منجر به تلفیق شود تا کم کم آن‌ها را به سوی احکام شریعت بکشاند. (البانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۰)

بعضی از اندیشمندان مانند مرعی کرمی معتقدند که - برای مردم خصوصاً عوام- مجالی نیست غیر از تلفیق، چون اگر تلفیق ترک شود، عبادات و معاملات هم باطل می‌شود و مکلفان در سختی و مشقتی که با آسانی و سهولت شریعت منافات دارد خواهند افتاد. (سفارینی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۵۹)

بر اساس آنچه که گفته شد وقتی پژوهشگر به بسیاری از علمای فقهی مذاهب مختلف خصوصاً در دوران اخیر نگاه کند خواهد دید که تمام تلاش این علما بر این بوده تا برون‌رفتی را برای تصحیح و مدیریت تعامل انسان‌ها با استدلال به شرع ایجاد نمایند، یا حداقل با پناه بردن به راه چاره‌ای فقهی یا قولی غیرمشهور یا جایز دانستن تقلید از مذاهب دیگری چاره‌ای بیندیشند، چون بسیاری از تنگناها و سختی‌ها بر سر راه مکلفین ناشی از پابندی به یک مذهب مشخص و معین است.

با توجه به آنچه که گذشت روشن می‌شود بیشترین انگیزه‌ی تلفیق برای عدّه‌ای از فقیهان سه امر ذیل بوده است:

➤ ضرورت و نیاز به تلفیق.

➤ ضعیف بودن ایمان و حال طلب‌کنندگان فتوی.

➤ تصحیح عبادات و معاملات طلب‌کنندگان فتوی. (عتیبی، بی‌تا، ص ۴۰)

## ۹- نتیجه گیری

تلفیق در لغت یعنی اختلاط دو یا چند چیز با همدیگر و تلفیق فتوی یعنی شخص از میان آرای مجتهدان و یا مذاهب فقهی درباره یک مسأله به رأی قایل شود و یا به گونه‌ای عمل کند که مطابق نظر هیچ کدام از مجتهدان یا مذاهب، به تنهایی صحیح نباشد. عدّه‌ای از علما بخاطر عدم دقت نظر در تعریف اصطلاحی، در مورد تلفیق فتوی دچار اشتباه و خلط مبحث شده‌اند، لذا با آن مخالفت نموده‌اند.

تیسیر یعنی آسان نمودن و ضد سختی است، و در اصطلاح به معنای تطبیق احکام شرعی به صورتی میانه است همانگونه که در کتاب خدا و سنت پیامبرش [آمده، بدون هرگونه تندروی که منجر به حلال کردن حرامی و حرام کردن حلالی گردد. دین اسلام نیز براساس آیات و احادیث وارده در پی تحقق این یسر و آسانی و رفع سختی و مشقت از مسلمانان است. لذا هنگامی که مجتهدی بین صدور دو فتوای

سخت و آسان مردّد بود بایستی بر آسان‌ترین حکم فتوا دهد. تلفیق فتوی هم به تعبیری آسان‌گرفتن جهت رفع نیاز مردم و تحقق ضروریات آنهاست. لذا بین تلفیق فتوی و تیسیر رابطه پیوسته و منسجمی وجود دارد و لازم است شخص فقیه و مجتهد جهت تصحیح عبادات و معاملات مسلمانان براساس چارچوب فقه و منافع شریعت و قواعد آن، تا حدی که امکان داشته باشد، تلاش کند تا فتوایی آسان و قابل پذیرش برای مسلمانان صادر نماید تا پابندی آنها به شریعت اسلامی دارای استحکام و التزام باشد و نسبت به امور شرعی سهل‌انگار و بی‌تفاوت نباشند.

### فهرست منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- ابن‌ال‌أثیر، مجدالدین محمد جزری، جامع الأصول فی احادیث الرسول، مکتبة دار البیان، ریاض، چاپ اول، ۱۳۹۲ق.
- ۳- ابن‌عابدین، محمدمامین، حاشیه ردالمحتار علی الدرالمختار، بیروت دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ۴- ابن‌عبدالبر، ابو عمر یوسف، جامع بیان العلم و فضله، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ۵- ابن‌فارس، ابی‌الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالجیل، ۱۳۹۲ق.
- ۶- ابن‌قیم، محمد بن ابی‌بکر بن ایوب، اعلام الموقعین، ریاض، دارابن‌الجوزی، ۱۴۲۳ق.
- ۷- ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۸- ابن‌مکی (ابن‌ملاّ فرّوخ)، محمد بن عبدالعظیم، القول‌السدید فی بعض مسائل الاجتهاد و التقليد، کویت، دارالدعوة، ۱۹۸۸م.
- ۹- ابن‌نجار، تقی‌الدین ابوالبقا فتوحی، شرح الکوکب المنیر، مطبعة السنة المحمدیة، بی‌تا.
- ۱۰- ابوزید، ابوبکر، المدخل المفصل إلى فقه الإمام احمد، دارالعاصمه، ریاض، ۱۴۱۷ق.
- ۱۱- اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی براهین احکام القرآن، بی‌تا.
- ۱۲- امیرپاشاه، محمد امین، تیسیر التحریر علی کتاب التحریر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ۱۳- آلبانی، محمد سعید، عمده التحقیق فی التقليد والتلفیق، دمشق، دار القادری، ۱۴۱۸ق.
- ۱۴- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، کتاب الایمان، بیروت، دار الجیل، ۱۳۳۰ق.
- ۱۵- بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، المکتب الاسلامی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶- حفناوی، محمد ابراهیم، تبصیرالنجباء بحقیقه الاجتهاد و التقليد و التلفیق و الافتاء، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۵ق.
- ۱۷- حلوانی، احمد بن اسماعیل، الوسم فی الوسم، ریاض، مطبعة نرجس، ۱۴۲۶ق.

## ١٢٢/ مباني فقهى حقوق اسلامى، سال چهاردهم، شماره بيست و هتم، بهار و تابستان ١٤٠٠، ص ١١٠-١٢٤

- ١٨- دسوقى، محمد بن عرفه، حاشيه على الشرح الكبير، دار احيا الكتب العربيه، بيروت، بى تا.
- ١٩- دويش، محمد بن عبدالرزاق بن احمد، التلفيق و موقف الاصوليين منه، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلاميه الكويتيه، با همكارى مجله الوعى الاسلامى الكويتيه، چاپ اول، ١٤٣٤ق.
- ٢٠- زبيدى، محمد مرتضى حسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، مطبعة حكومه الكويت، ١٣٨٥ق.
- ٢١- زحيلي، وهبه مصطفى، الرخص الشرعيه احكامها و ضوابطها، دمشق، دار الخير، ١٤١٣ق.
- ٢٢- همو، ضوابط الشرعيه لأخذ باليسر، بيروت، دارالهجره، چاپ اول، ١٣٩٨ق.
- ٢٣- زرکشى، محمد بن بهادر، البحر المحيط فى اصول الفقه، كويت، دار الصفوة، ١٤١٣ق.
- ٢٤- زمخشري، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٩ق.
- ٢٥- سبكي، تاج الدين عبدالوهاب، الاشباه و النظائر، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١١ق.
- ٢٦- سعيدى، عبد الله بن محمد، التلفيق و حكمه فى الفقه الإسلامى، رياض، دانشگاه ملك سعود، بى تا.
- ٢٧- سفارينى، محمد بن احمد، التحقيق فى بطلان التلفيق، رياض، دار الصمعي، ١٤١٨ق.
- ٢٨- سهالوى اللكنوى، محمد بن نظام الدين، فواتح الرحموت، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٣ق.
- ٢٩- شاطبى، ابواسحاق ابراهيم، الموافقات فى اصول الشريعه، سعودى، دار بن عفان، ١٤١٧ق.
- ٣٠- شفشاونى، عبدالقادر بن عبدالكريم، سعد الشموس و الأقمار، مصر، مطبعة المصريه، ١٣٠٤ق.
- ٣١- شوكانى، محمد بن على، ارشاد الفحول، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤١٩ق.
- ٣٢- صغير، فالح بن محمد، اليسر و السماح فى الاسلام، وزارة الاوقاف السعوديه، رياض، ٢٠١٠م.
- ٣٣- عبدالباقي، محمد فواد، اللؤلؤ والمرجان، احاديث مشترك بخارى و مسلم، ترجمه: ابوبكر حسن زاده، تهران، نشر احسان، چاپ پنجم، ١٣٩١ش.
- ٣٤- عتيبي، غازى بن مرشد بن خلف، التلفيق بين المناهض الفقهيه، سعودى، دانشگاه ام القرى، بى تا.
- ٣٥- عطار، شيخ حسن، حاشيه العطار على شرح المحلى، بيروت، دارالكتب العلميه، ٢٠١١م.
- ٣٦- عليش، محمد بن احمد، فتح العلى المالك فى الفتوى على مذهب الامام مالك، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
- ٣٧- عنزى، سعد، التلفيق فى الفتوى، دانشگاه كويت، مجله الشريعه و الدراسات الاسلاميه، شماره ٣٨، ١٤٢٠ق، ص ٢٧١-٢٧٠.
- ٣٨- فاضل لكرانى، محمدجواد، قاعده لاجرح، قم، نشر مركز ائمه اطهار، بى تا.
- ٣٩- قرافى، شرح تنقيح الفصول فى اختصار المحصول، قاهره، دارالفكر، چاپ اول، ١٣٩٣ق.

## بررسی تلفیق و تیسیر در اجتهاد / ۱۲۳

- ۴۰- متقی الهمدی، علامه علاالدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۴۱- محلی، شمس الدین، محمد بن احمد، شرح المحلی علی جمع الجوامع و علیه حاشیه البنانی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۴۲- مرداوی، ابوالحسن علی بن سلیمان، الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴۳- منظمه المؤتمر الاسلامی، مجله مجمع فقه اسلامی، جده، بی تا.
- ۴۴- میمان، ناصر بن عبدالله، التلیق فی الاجتهاد والتقلید، ریاض، مجله العدل، ۱۴۳۳ق.
- ۴۵- نابلسی، عبدالغنی، خلاصه التحقیق فی بیان حکم التقلید والتلیق، استانبول، مکتبه حقیقه، ۱۴۳۲ق.
- ۴۶- نووی، ابوزکریا محی الدین، روضه الطالبین و عمدہ المفتین، بیروت، المکتب الاسلامی، بی تا.
- ۴۷- همو، الفتاوی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۴۸- همو، المجموع شرح المہذب، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۴۹- ہنیه، مازن اسماعیل، التلیق وتتبع الرخص، دانشگاه اردن، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۴۱۲ق.

***Investigating relationship between the combination of fatwa and leniency in ijtihad<sup>1</sup>***

*Abdolvahab Salimipour<sup>2</sup> Mohammad Adel Ziaei<sup>3</sup> Naser Marivani<sup>4</sup>*

**Abstract**

*Talfiq (integration) is defined as a combination of the different views of religious scholars which is not fully consistent with the exact views of any of them. It is aimed at facilitating religious assignments. Therefore, Talfiq enjoy commonalities with Taysir (facilitation) as a tenet in Islamic tradition and under rules such “removal of constrictions” and the “Yosr rule”. On the other hand, however, Talfiq may take place to relieve the religious obligations of an obligated person or actually lead to such a thing. Some religious scholars believe that integration over a Fatwa is allowed in case of necessity since it leads to openings as well as removal of constrictions. Others have considered a wider application for Talfiq, arguing that it is allowed not only when necessary, but also when needed. It is evidenced upon Taysir (facilitation) and removal of constriction that could be applied to the relevant obligator. It seems that Taysir and Talfiq overlap each other, because every case of Talfiq is not necessarily considered as Taysir, and every case of Taysir is not necessarily categorized under Talfiq, although all cases of Talfiq ensure Taysir in practice and especially in contemporary Fatwas.*

**Keywords:** *Talfiq Taysir Fatwa distress and constriction hardships.*

---

<sup>1</sup>- Receive Date: 12 October 2020, Accept Date: 01 April 2021.

<sup>2</sup>- PhD student in Shafi'i jurisprudence, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [salimibochir@gmail.com](mailto:salimibochir@gmail.com)

<sup>3</sup>- Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran (cross pounding author) [ziaey@ut.ac.ir](mailto:ziaey@ut.ac.ir)

<sup>4</sup>- Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Science and Research Branch, Tehran, Iran. [Nasermarivani@yahoo.com](mailto:Nasermarivani@yahoo.com)